نشریه فرهنگ و ارتقای سلامت فرهنگستان علوم پزشکی
دوره پنجم، زمستان ۱۴۰۰، شماره چهارم، صفحات ۵۲۸ تا ۵۳۶

پژوهشی

واکاوی سوءرفتار با دانش‌آموزان در مدارس و پیامدهای سلامتی آن و ارائه راهکارهایی برای ارتقای سلامت دانش‌آموزان

مژده علیزاده[1*]، سیدحمیدرضا علوی[2]

۱. *نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، بخش علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهیدباهنر، malizadeh1229@gmail.com
۲. استاد فلسفه تعلیم و تربیت، بخش علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهیدباهنر

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۵/۲۳ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۰۶

چکیده

زمینه و هدف: سوءرفتار با دانش‌آموزان در مدارس متأسفانه به یک امر رایج و عادی تبدیل شده است که چندان توجهی هم به آن نمی‌شود. درحالی‌که این پدیده می‌تواند سلامت جسمانی و روانی دانش‌آموزان را به خطر اندازد، لذا هدف از پژوهش حاضر «واکاوی سوءرفتار با دانش‌آموزان در مدارس و پیامدهای سلامتی آن و ارائه راهکارهایی برای ارتقای سلامت دانش‌آموزان» است.

روش: این پژوهش از نوع کیفی و با روش پدیدارشناسی است. جامعه آماری همه دانشجویان کارشناسی دانشگاه شهید باهنر کرمان با تعداد ۱۰۴۴۰ نفر بود که ۱۸ نفر با روش نمونه‌گیری داوطلب-هدفمند و اصل اشباع نظری انتخاب شدند. ابزار پژوهش مصاحبه نیمه‌ساختار یافته عمیق بود.برای تحلیل مصاحبه‌ها از روش کلایزی استفاده شد.

یافته‌ها: مطابق با یافته‌های پژوهش عمده‌ترین سوءرفتارها با دانش‌آموزان در مدارس در پنج مضمون اصلی و هشت زیرمضمون و ۵۰ کد اولیه جای گرفتند. پیامدهای سلامتی ناشی از این سوءرفتارها نیز در مضمون اصلی کاهش سلامت روانی و اجتماعی دانش‌آموزان با سه زیرمضمون اختلالات عاطفی ـ خلقی، اختلالات روانی ـ اجتماعی و پیامدهای روان‌شناختی تحصیلی و ۳۱ کد اولیه قرار گرفتند. اختلالات عاطفی ـ خلقی اعم از احساس اضطراب، غمگینی و موارد دیگر؛ اختلالات روانی-اجتماعی شامل پرخاشگری، انزوای اجتماعی و موارد دیگر و پیامدهای روان‌شناختی تحصیلی شامل مدرسه‌گریزی، کاهش انگیزه پیشرفت و موارد دیگر می‌باشد.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش حاکی از آن است که سوءرفتار با دانش‌آموزان در مدارس تأثیرات منفی و درازمدتی بر سلامت روانی آنها دارد، لذا به منظور ارتقای سلامت آنها به مقابله جدی با این پدیده هم از سوی مسئولان و هم جامعه و والدین نیاز است.

کلیدواژه‌ها: دانش‌آموزان، سلامت، کودک‌آزاری، مدرسه

مقدمه

سلامتی، تندرستی و نشاط داشتن از حقوق و نیازهای اولیه هر کودکی است که باید مدنظر متولیان و مسئولان امر هر جامعه‌ای قرار گیرد و برای حفظ و ارتقای آن به‌طور مداوم برنامه‌ریزی شود. این مسئله در نظام تعلیم و تربیت اهمیتی بیشتر پیدا می‌کند؛ زیرا کودکان یک‌سوم از زندگی خود را در مدارس به سر می‌برند. هرچند متأسفانه این امر امروزه مورد بی‌تدبیری و چه بسا غفلت قرار گرفته است، به‌گونه‌ای که دانش‌آموزان در معرض انواع سوءرفتارها از جانب معلمان، معاونان و مدیران مدارس قرار دارند. سوءرفتار به رابطه‌ای بین کودک و مراقب گفته می‌شود که با الگوهای تعاملات مضر که همراه با به خطر افتادن سلامت کودکان است مشخص می‌شود(۱). سوءرفتار با کودکان نه تنها می‌تواند در چارچوب خانواده و اجتماع اتفاق بیفتد؛ بلکه در مدرسه نیز می‌تواند اتفاق بیفتد. سوءرفتار با کودکان در مدرسه به آسیب‌های جسمانی و روانی، رفتارهای احمال‌گرایانه و خشونت‌آمیز در روابط عوامل مدرسه با دانش‌آموز گفته می‌شود که منجر به صدمات روانی، عاطفی، اجتماعی، شناختی و جسمانی بر دانش‌آموز می‌شود، مصادیق آن شامل: استفاده از اظهارات و کنایه‌های تحقیرآمیز به دانش‌آموز، عبارات تهدیدآمیز، تمسخر دانش‌آموز، نادیده گرفتن و منزوی کردن، ترساندن، فریاد زدن، مجازات کردن، تنبیه بدنی، زخم، شکستگی و موارد دیگر است(۲). سوءرفتار با دانش‌آموز توسط معلمان، مدیران و کادر مدارس در حال اتفاق افتادن است(۳) و معمولاً هم به عنوان نظم به‌کار گرفته می‌شود و به ندرت پرخاشگری شناخته می‌شود(۲)، درحالی‌که این امر یک نوع تجاوز به حقوق دانش‌آموزان است و مدرسه را که باید مکانی امن باشد

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-09-08]

به محلی ناامن برای آنها تبدیل کرده است(۴) و باید با برنامه‌های سیاست‌مدارانه قاطعانه با آن برخورد شود و برای رفع یا اصلاح آن اقداماتی صورت گیرد(۵). برخی کشورها در جهان قوانینی برای ممنوعیت به‌کارگرفتن هر گونه روش‌های خشونت‌آمیز در مدرسه وضع کرده‌اند؛ اما آنچه که در عمل مشاهده می‌شود کاملا متعارض با قوانین است که همین مسئله را حادتر و نگرانی‌ها را افزایش می‌دهد. مطالعات در این زمینه نشان داده‌اند که بیش از ۵۰ درصد کودکان ۱۲ تا ۱۷ سال هر ساله در سطح جهانی بدرفتاری و خشونت به صورت‌های مختلف را تجربه کرده‌اند، این در حالی است که کشورهای درحال توسعه و کمتر توسعه یافته خشونت بیشتری را از مدارس خود گزارش داده‌اند(۲). مطابق با تحقیق لی(۲۰۱۵) ۳۳ درصد از دانش‌آموزان آسیایی در مدارس مورد بدرفتاری و خشونت قرار گرفته‌اند(۶). متأسفانه کشور ایران که کشوری مسلمان و دارای مبانی اسلامی و قرآنی است از این قاعده مستثنی نیست، بدرفتاری با دانش‌آموزان در بعضی مدارس کشور ایران به یک امر رایج تبدیل شده است و چندان هم مورد توجه قرار نمی‌گیرد. مطابق با تحقیقات انجام شده مدارس کشور نه تنها از شادی و نشاط مؤثر برخوردار نیستند؛ بلکه در بعد تعامل با دانش‌آموزان که غالبا از سوی عوامل انسانی مدارس چون معلمان، معاونان و مدیران انجام می‌شود دارای معضلاتی عمیق هستند. چنانکه با نگاهی به اخبار و شواهد در اقصی نقاط کشور متوجه می‌شویم جرم و جنایت علیه دانش‌آموزان در برخی مدارس رواج یافته است، به قدری که برخی از دانش‌آموزان جدا از آسیب‌های روحی و روانی متأسفانه دچار انواع مشکلات شدید جسمی، حرکتی و رفتاری نیز شده‌اند که بیشتر به دلیل رسیدن آسیب بدنی به آنها بوده است. هرچند تنبیه بدنی و کلامی در کشور ممنوع شده است و در قالب بخشنامه‌ها به سازمان‌های آموزشی و مدارس ابلاغ شده است؛ اما متأسفانه این قانون مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد و اجرا نمی‌شود که این امر سبب پدید آمدن مشکلات متعددی برای دانش‌آموزان شده است. این بدرفتاری‌ها با دانش‌آموزان در اکثر نقاط کشور به اشکال مختلف رواج دارد و شدّت آن به قدری است که سبب ترک تحصیل برخی دانش‌آموزان هم شده است(۷). در سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵ در رابطه با سوءرفتار با دانش‌آموزان در مدارس ۱۵۲۶ شکایت به‌حق ثبت شده است؛ اما به دلیل اینکه اغلب این بزه‌دیدگی‌ها به دلایل مختلف اعم از عادی شدن، ترس دانش‌آموزان از عوامل مدرسه و عواقب آن، و موارد دیگر گزارش داده نمی‌شود، لذا میزان سوءرفتار با دانش‌آموزان در مدارس ایران آماری بسیار فراتر از این تعداد دارد(۴). ابراهیمی مقدم(۱۳۹۸) در مقاله رفتار زورگویی معلمان نسبت به دانش‌آموز و میزان شیوع آن در مدارس شهر تهران وجود هر سه خشونت فیزیکی، کلامی و روانی در مدارس را اشاره کرده است(۸). خوشابی و همکاران(۱۳۸۸) شیوع آزار جسمانی در دانش‌آموزان راهنمایی شهر تهران را در حد بالایی نشان دادند، ۳۸ درصد آزار جسمانی خفیف، ۳۵ درصد آزار جسمانی شدید، ۶۲ درصد آزار عاطفی و ۲۰ درصد بی‌توجهی اعمال می‌شود(۹). سوءرفتار با دانش‌آموزان می‌تواند آثار و پیامدهای مخربی را از لحاظ عاطفی، روانی، اجتماعی، جسمانی و اخلاقی در دانش‌آموز ایجاد کند و همچنین یادگیری آنها را هم تحت تأثیر قرار دهد. شواهد محکمی در مورد حوادث ناگوار تجربه شده در دوران کودکی و مشکلات بهداشت و سلامت روانی در دوره بزرگسالی وجود دارد(۷). در واقع این مشکلات روانی از همان زمان کودکی آغاز شده و تا بزرگسالی فرد ادامه دارند. در ایران سوءرفتار با دانش‌آموزان یکی از عوامل اصلی بزهکاری و فساد اخلاقی، پدید آمدن مشکلات رفتاری و ترک تحصیل، بیزاری از مدرسه و مشکلات عاطفی دیگر می‌باشد(۱۰). خلیلیان، حسن‌زاده و ضرغامی(۱۳۷۹) در مقاله «بررسی ارتباط بین عوامل استرس‌زای مدرسه و شکایات جسمانی در دانش‌آموزان شهرستان ساری» نتیجه گرفتند: میان عوامل استرس‌زای مدرسه (از جمله روبرو شدن با معلم، مدیر، ناظم، تنبیه شدن در کلاس و شکایات جسمانی در دانش‌آموزان شهرستان ساری (چون سردرد، معده‌درد، دلشوره، استرس، ناراحتی قلبی، سرگیجه و ...) رابطه معنادار وجود دارد(۱۱). پیکارسکا (۲۰۰۰) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که سوءرفتار معلم سبب اضطراب و استرس شدید در دانش‌آموزان می‌شود به‌صورتی که نیاز به مرحله روان‌درمانی برای درمان پیدا می‌کنند(۱۲). چن و وی(۲۰۱۱) نشان دادند از نتایج اصلی خشونت علیه دانش‌آموزان دوره‌هایی از افسردگی و کاهش عزت‌نفس در آنها است(۱۳). گرشاف و هولدن (۲۰۱۹) نشان دادند تنبیه بدنی با معدل پایین‌تر و تعلق خاطر کمتر به مدرسه در ارتباط است. ضمن اینکه علائم افسردگی و نگرش نامطلوب نسبت به مدرسه را پدید می‌آورد(۱۴). تحقیق آنجلاکس و گودینگ(۲۰۲۰) نشان داد تجارب تلخ و آزاردهنده از بدرفتاری‌ها در دوران کودکی با افسردگی، وسواس و اقدام به خودکشی به شدّت معنادار است(۱۰). گلی(۱۳۹۴)در مقاله نقش والدین در عزت‌نفس دینی فرزندان و سلامت معنوی آنان از دیدگاه اسلام، نتیجه گرفت از دیدگاه اسلام خشونت در تربیت جایگاهی ندارد و بلکه محبت کردن، انتخاب نام نیک و احترام گذاشتن به فرزندان در عزت نفس آنها نقش مؤثری دارد و منجر به ارتقای سلامت معنوی کودکان می‌شود(۱۵). در نهایت با جستجو در پیشینه پژوهش محرز شد چند خلأ در این زمینه وجود دارد، از جمله اینکه تاکنون پژوهش کیفی و به روش پدیدارشناسی در این زمینه انجام نشده است و یا محقق به آن دسترسی نداشته است. همچنین اغلب پژوهش‌ها تاکنون از نظرات معلمان، دانش‌آموزان و متخصصان انجام گرفته‌اند. این در حالی است که دانش‌آموزان تا زمانی که در مدارس هستند به دلیل عدم تجربه کافی و همچنین نگرانی از عواقب گفته‌های خود و سوگیری‌هایی که وجود دارد امکان دارد از گفتن واقعیت ابا کنند و از این برای قشر دانشجو چنین محدودیت‌هایی را ندارد و همچنین اشراف بیشتری به موضوع دارد. از طرف دیگر تاکنون پژوهشی در باب این موضوع مخصوصا در شهر کرمان که در نظام آموزشی آن مشکلات متعددی وجود دارد، انجام نشده است.

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-09-08]

روش

پدیدارشناسی مطالعه پدیده‌ها است. ظهور مواردی که در تجربه ما ظاهر می‌شوند و ما آنها را تجربه می‌کنیم. هدف از پدیدارشناسی بررسی و کشف معنای نهفته در تجربه افراد است. جامعه آماری این پژوهش همه دانشجویان کارشناسی دانشگاه شهید باهنر کرمان با تعداد ۱۰۴۴۰ نفر بود که در سال ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۰ مشغول به تحصیل بودند ۱۸ نفر براساس روش نمونه‌گیری داوطلب-هدفمند انتخاب شدند. گزینش نمونه‌ها تا رسیدن به حد اشباع یعنی تکراری شدن مقولات ادامه یافت؛ لذا تا زمانی که دیگر از سوی مشارکت‌کنندگان اطلاعات جدیدی داده نشد فرآیند مصاحبه ادامه یافت. برای جمع‌آوری اطلاعات از روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته عمیق استفاده شد. در ابتدا موضوع تحقیق و هدف از انجام آن و همچنین موارد مرتبط با محرمانه ماندن اطلاعات برای دانشجویان بیان می‌شد و سپس اگر آنها رضایت و موافقت کامل داشتند، فرآیند مصاحبه انجام می‌شد. همه ملاحظات اخلاقی نیز مورد توجه قرار گرفت، از جمله مشارکت‌کنندگان با رضایت کامل و علاقه در پژوهش حاضر مشارکت کردند و همچنین هر زمان که می‌خواستند، می‌توانستند فرایند مصاحبه را ترک کنند. پرسش‌ها از قبل طراحی شد و زمانی که مصاحبه‌شوندگان پاسخ می‌دادند محقق برای روشن‌تر شدن بیشتر پدیده از مشارکت‌کننده درخواست می‌کرد کمی بیشتر توضیح دهد و یا سؤالات جزئی‌تری از پاسخ‌های مشارکت‌کننده می‌پرسید. مدّت زمان مصاحبه‌ها معمولاً از ۵۰ دقیقه تا ۷۵ دقیقه به طول می‌کشید. برای محرمانه بودن اطلاعات به هر یک از مشارکت‌کنندگان یک کد اختصاص داده شد و اطلاعات از طریق کدها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. برای تحلیل داده‌ها از روش کلایزی استفاده شد، به این صورت که ابتدا تمام متن‌ها روی کاغذ پیاده و سپس چندین مرتبه خوانده شدند تا محقق درک کلی از بیانات دانشجویان به دست آورد. در مرحله بعد معانی یا کدها استخراج شدند. پس از تفکر عمیق روی هر یک از کدها و شباهت‌ها وتفاوت‌هایشان زیر مضامین‌ها تشکیل شدند و سپس با تفکر بیشتر مضامین اصلی تشکیل شدند. گابا و لینکلن (۱۹۹۹) برای تحقیقات کیفی معیارهای اعتماد را معادل پایایی، تأیید را معادل عینیت و اعتبار را معادل روایی درونی در تحقیقات کمی می‌دانند. در پژوهش حاضر ملاک تأیید صحت یافته‌ها این بود که محققان از نظرات شخصی خود در مراحل گردآوری و تحلیل یافته‌ها استفاده نکردند و همچنین از نتایج تحقیقات دیگران در تأیید نتایج یافته‌های خود استفاده کردند. برای تعیین اعتبار یافته‌ها نیز محققان تا رسیدن به حد اشباع صبر کردند، برای اعتمادپذیری یافته‌ها نیز از روش‌های نظارت همکاران و ارزیابی مشارکت‌کنندگان استفاده شد. در ذیل جدول حاوی اطلاعات مشارکت‌کنندگان آورده شده است:

جدول ۱- مشخصات شرکت‌کننده‌ها

رشته تحصیلی	جنس	سن	مقطع تحصیلی
تاریخ	مرد	۲۱	کارشناسی
روان‌شناسی	زن	۲۰	کارشناسی
روان‌شناسی	زن	۲۲	کارشناسی
علوم تربیتی	زن	۲۱	کارشناسی
اقتصاد	زن	۲۱	کارشناسی
شیمی	زن	۲۳	کارشناسی
علوم تربیتی	زن	۲۲	کارشناسی
زبان انگلیسی	مرد	۲۴	کارشناسی
روان‌شناسی	زن	۲۲	کارشناسی
فیزیک	مرد	۲۱	کارشناسی
ریاضی محض	مرد	۲۴	کارشناسی
تربیت بدنی	زن	۲۴	کارشناسی
علوم اطلاعات و ارتباطات	زن	۲۳	کارشناسی
زبان انگلیسی	زن	۲۶	کارشناسی
تربیت بدنی	زن	۱۹	کارشناسی
الهیات	زن	۱۹	کارشناسی
الهیات	زن	۲۱	کارشناسی
شیمی	مرد	۲۱	کارشناسی

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-09-08]

یافته‌ها

مطابق با یافته‌های پژوهش مبنی بر واکاوی تجارب دانشجویان از سوءرفتار با آنها در مدارس و استخراج کدهای حاصله از بیانات آنها پنج مضمون اصلی از جمله اعمال انواع خشونت‌های کلامی نسبت به دانش‌آموز، اعمال انواع خشونت‌های رفتاری نسبت به دانش‌آموز، بی‌اعتبارسازی شخصیت دانش‌آموز در کلام، نبود روح عدالت‌محوری بر مدارس و عدم اعتدال‌گرایی از هشت زیرمضمون و ۵۰ کد اولیه حاصل شد، ضمن اینکه آثار و پیامدهای سلامتی این سوءرفتارها نیز در یک مضمون اصلی و سه زیرمضمون و ۳۱ کد اولیه جای گرفتند. در ذیل هر یک از جداول مرتبط با سوءرفتارها و پیامدهای سلامتی حاصل از آن بیان شده است.

جدول ۲- تجارب زیسته دانش‌آموزی دانشجویان از سوءرفتار در مدارس با آنها

مضمون	زیرمضامین	کدهای اولیه
اعمال انواع خشونت‌های کلامی نسبت به دانش‌آموز	به‌کار بردن الفاظ رکیک و ناشایست نسبت به دانش‌آموز	نداشتن عفت کلام در رابطه با دانش‌آموز، ناسزاگویی
	تندی در صحبت کردن با دانش‌آموز	داد و فریاد زدن بر سر دانش‌آموز، تذکر دادن همراه با عصبانیت و فریاد زدن، به‌کار نگرفتن روش‌های دوستانه در تذکر دادن
اعمال انواع خشونت‌های رفتاری نسبت به دانش‌آموز	حملات تهاجمی به سمت دانش‌آموز	حرکت‌های سریع و تند همراه با عصبانیت به سمت دانش‌آموز، پرتاب کردن اشیاء به سمت دانش‌آموز
	برخورد فیزیکی شدید با دانش‌آموز	تنبیه بدنی شدید با انواع وسایل اعم از چوب، خط کش، شلنگ و ...، کشیدن مو، کشیدن لپ، کشیدن گوش، توسّری زدن، سیلی زدن، به دلایل متعدد از جمله به دلیل درس نخواندن،رعایت نکردن سکوت و قوانین، دیر رسیدن به کلاس، ننوشتن تکالیف، تنبیه از روی عدم آگاهی از اصل حقیقت و بی‌عدالتی، تنبیه از روی عصبانیت و خشم
	ایجاد کردن فضای متشنج و مستبدانه در کلاس و مدرسه	اجبار دانش‌آموز به سکوت مطلق در کلاس، اجبار به ایستادن دانش‌آموز به مدت طولانی، دیدن تکالیف دانش‌آموزان از روی خشم و استبداد، ایجاد ترس شدید در دانش‌آموزان، جرأت سخن گفتن در کلاس، انتقادناپذیری و گوش ندادن به نظرات دانش‌آموز، هراس از صحبت کردن یا مطرح کردن مشکلات خود با معلم، معاون و مدیر،به طور مداوم زیر ذره‌بین معاون و مدیر بودن
بی‌اعتبارسازی شخصیت دانش‌آموز در کلام	استفاده زیاد از عبارات تحقیرآمیز و تهدیدآمیز	تحقیر دانش‌آموز توسط معلم، معاون و مدیر، تحقیر فرد خاطی جلوی دیگران، تحقیر دانش‌آموزان ضعیف،تهدید دانش‌آموز به دلایل گوناگون اعم از درس نخواندن، سکوت نکردن، انجام ندادن اعمال دینی، عدم حفظ حجاب و...
نبود روح عدالت‌محوری در کلاس و مدرسه	تبعیض گذاشتن میان دانش‌آموزان در کلام و رفتار	تفاوت گذاشتن اعم از تفاوت گذاشتن میان دانش‌آموزان درسخوان و ضعیف، تفاوت گذاشتن میان طبقات اجتماعی متعلمان، رابطه با دانش‌آموز بر اساس برخورد سلیقه‌ای، برچسب زدن به دانش‌آموزان ضعیف
عدم اعتدال‌گرایی	افراط گرایی	سختگیری در امور غیرضروری به جای حل مشکلات،رفتارهای به شدّت زننده با دانش‌آموز، بداخلاقی و سختگیری زیاد، سرزنش بیش از حد دانش‌آموزان،تنبیه دانش‌آموزان ضعیف و بی‌توجهی به آنها، داد و فریاد بیش از حد بر سر دانش‌آموزان، چک کردن دانش‌آموزان به طور مداوم، اجبار شدید دانش‌آموزان به انجام فرایض دینی

جدول ۳-پیامدهای سلامتی تجارب زیسته دانش‌آموزی دانشجویان از سوءرفتار در مدارس با آنها

مضمون	زیرمضامین	کدهای اولیه
کاهش سلامت روانی و اجتماعی دانش‌آموز	اختلالات عاطفی- خلقی	احساس ترس، اضطراب و نگرانی حتی پس از اتمام دوران مدرسه(استرس پس از رویداد)، دچار اضطراب و ترس شدید شدن با فکر کردن به مدرسه، تنبیه عامل سرخوردگی دانش‌آموز، تنفر داشتن از معلم، معاون و مدیر به دلیل رفتار نامناسب، کابوس دیدن در خواب و توهمی شدن، ساختن یک کابوس تلخ از مدرسه، ترسناک دیدن مدرسه، نداشتن امنیت جسمی و روانی در مدرسه، احساس بدی داشتن از بودن در محیط پرتنش مدرسه، فقدان نشاط و دچار شدن به غم و اندوه مخصوصا در دوران مدرسه، تنفر از دین و نماز به دلیل زور و اجبار
	اختلالات روانی-اجتماعی	به وجود آمدن روحیه لجبازی در دانش‌آموز حتی با اتمام دوران مدرسه، عدم اطاعت‌پذیری دانش‌آموز به دلیل زورگویی عوامل مدرسه، گوشه‌گیر شدن دانش‌آموز و ایجاد نقص در روابط او با دیگران، پدید آمدن روحیه پرخاشگری در دانش‌آموز
	پیامدهای روان‌شناختی تحصیلی	کاهش انگیزه پیشرفت، کاهش انگیزه رفتن به مدرسه، بی‌علاقگی به مدرسه، بهانه آوردن در رفتن به مدرسه، حس نفرت از درس و کتاب و مدرسه به دلیل رفتارهای نامناسب عوامل مدرسه، مدرسه‌گریزی، سرکوب شدن استعدادهای دانش‌آموزان به دلیل بی‌توجهی و رفتارهای ناشایست عوامل مدرسه از جمله تنبیه و تحقیر، حس انزجار از درس به علت محیط پرتنش و استرس‌زای مدرسه، فراری شدن از مطالعه، کتاب و درس، بی‌علاقگی به انجام تکالیف، سختگیری‌های افراطی سبب دلزدگی از مدرسه، ضعیف‌تر شدن دانش‌آموزان ضعیف به دلیل تحقیر و بی‌توجهی به آنها

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-09-08]

بحث و نتیجه‌گیری

در بیـان نتـایج پـژوهش حاضـر بایـد گفـت هـر چنـد تعـداد کمـی از مشارکت‌کنندگان به برخی رفتارهای صحیح مدارس با خود اشـاراتی داشـتند؛ اما در مجموع تمامی مشارکت‌کنندگان ارزیابی و تجارب خوبی از رفتار عوامـل مدرسه با خود نداشتند. به گونه‌ای که محرز شد تمامی دانشجویان در پژوهش حاضر مطابق با بیانات و تجارب خود در معرض انواع خشـونت‌هـای کلامـی و جسمانی از سوی عوامل مدرسه قرار گرفته‌اند. دانشجویان اغلب این خشونت‌ها را شامل فریاد زدن بر سر آنها، هجوم بردن به سمت آنها، پرتاب کردن اشـیاء و وسایل به سمت آنها، استفاده از واژه‌هـای نامناسـب و رکیـک توسـط عوامـل مدرسه به آنها، تذکر دادن همراه بـا فریـاد و عصـبانیت، انـواع تنبیـه از جملـه ایستادن به مدت طولانی، تنبیه بدنی شدید با وسایل گونـاگون اعـم از چـوب، خط کش، شلنگ و...، کشیدن مو، لپ، گوش و سـیلی زدن و ... مـی‌دانسـتند. تمامی مشارکت‌کنندگان هر کدام به مواردی از موارد فوق اشاره کردند. استفاده زیاد از الفاظ و واژه‌های رکیک و نامناسب به دانش‌آموزان و تنـدی در صـحبت کردن با آنها از دغدغه‌ها و شکایت‌های اصلی مشارکت‌کننـدگان بـود، چنانکـه مشارکت‌کننده‌ای می‌گفت:«عفت کلام اصلا در مدارس نیسـت بـه خودشـون اجازه میدن هر چی دلشون میخواد به دانش‌آموز بگن و هیچکس هـم هیچـی بهشون نمیگه»(کد۹). تنبیه و به‌خصوص تنبیه بـدنی بـا انـواع وسـایل نیـز از نارضایتی‌های شدید مشارکت‌کنندگان بود. مشارکت‌کننده‌ای می‌گفت:«یادمـه یه معلم تاریخ داشتیم که خیلی بدجنس بود و از کـوچکترین اشـتباه بچـه‌هـا نمی‌گذشت، همه مدرسه ازش می‌ترسیدن، وقتی بـه مدرسـه مـی‌آمـد انگـار حکومت نظامی بود، خیلی بد هم تنبیه می‌کرد، وقتـی یـادش مـی‌افـتم تـنم می‌لرزه»(کد۷). ایجاد یک جو تشنج‌آور و مسـتبدانه بـر کـلاس و مدرسـه بـه گونه‌ای که ترس شدیدی از صحبت کردن با عوامل مدرسه در دانش‌آموز پدید آورده و حتی دانش‌آموز نمی‌توانست مشکلاتش را به آنها بگوید از دیگر تجارب دانشجویان بود. از منظر دانشجویان بر مدارس کشور ایران روح اجبار و استبداد و اطاعت‌پذیری محض از عوامل مدرسه حاکم است. از منظر دانشجویان هـیچ انتقاد پذیری در کادر مدرسه وجود ندارد. اکثر دانشجویان این اعمـال را کـاملا غیراخلاقی و غیر انسانی و نوعی توهین به دانش‌آموز و مسـاوی بـا خدشـه‌دار کردن شخصیت او می‌دانستند. وجود خشونت در مدارس ایران به شـیوه‌هـای گوناگون در تحقیقات قبلی چون علومی‌یـزدی(۱۳۸۰)، خوشـابی و همکـاران (۱۳۸۸) و ابراهیمی‌مقدم (۱۳۹۸) نیز اثبات شده است. از نظر دانشـجویان نـه تنها معلمان در کلاس از روش‌های خشـونت‌آمیـز اسـتفاده مـی‌کردنـد؛ بلکـه معاونان و مدیران هم به جای جلوگیری و واکنش نسبت به اعمال خشونت‌آمیز معلمان به پشتیبانی از آنها پرداخته و حتی خود نیز گاهی به اعمـال خشـونت علیه دانش‌آموزان می‌پرداختند. این مطلب می‌رساند که در مدارس هـیچکس حاضر به نهی کردن عاملان خشونت از اعمال عمل خشـونت‌آمیـز نسـبت بـه دانش‌آموزان و یا حتی تذکر دادن به آنها نیسـت. در همـین راسـتا بازرگـان و لواسانی (۱۳۸۲)در تحقیق خود نتیجه گرفتند واکنش عوامل مدرسه در اعمال خشونت بدنی معلمان به دانش‌آموزان بی‌توجهی، بی‌تفاوتی و پشتیبانی از آنهـا است و یا خود دانش‌آموز شاکی را تنبیه می‌کنند(۳). در تبیین این نتیجه بایـد گفت در امر تعلیم و تربیت داشتن اقتدار در معلم امری ضروری است؛ اما ایـن اقتدار باید در کنار صمیمیت باشد. در واقع حفـظ اقتـدار بـرای خـارج نشـدن دانش‌آموز از مسیر صحیح خود و یا برای آسیب نزدن او به دیگران و نیز حفـظ سلامتی خود دانش‌آموز امری ضروری است؛ اما باز باید توجه داشت منظـور از اقتدار، تنبیه دانش‌آموز و یا اعمال انواع خشونت‌ها نسبت به او نیست. همچنین در روایت است که پیامبر(ص) فرمودند:«به فرزنـدت ناسـزا نگـو و او را نـزن و نسبت به او بدی نکن»، طبق این روایت مربی هم باید در تربیت فرزنـد از سـه عامل دوری کنند، یکی ناسزاگویی است و دیگری تنبیـه روانـی و مـورد دیگـر تنبیه بدنی است و باز می‌فرمایند: «لا ادب مع غضب»، تربیت با خشـم ممکـن نیست. متأسفانه به نظر می‌رسد این امر هنوز برای برخی از عوامل مدرسه جـا نیفتاده است و آنها اقتدار را مساوی با خشونت‌گری به دانش‌آموز می‌داننـد کـه کاملا اشتباه است و به جای اینکه تأثیر مثبت داشته باشد نتیجـه‌ای معکـوس می‌دهد. زیرا تنبیه بدنی آثار نامطلوب زیادی بـر دانـش‌آمـوزان دارد، از جملـه حس حقارت را در آنها برمی‌انگیزاند که این خود تبعـاتی چـون از بـین رفـتن اعتماد به نفس، عـزت‌نفـس و اسـتقلال‌طلبـی آنهـا را در پـی دارد. همچنـین دانش‌آموز را نسبت به معلم بدبین می‌سازد و چه بسا روحیه کینه و انتقام را در او پدید آورده، او را از درس و مدرسه بیزار می‌کند، ضمن اینکه سبب می‌شـود کودک به واسطه الگو پذیری از معلم با کودکان همسن و سال و یا کم سال‌تـر از خود نیز با خشونت رفتار کند و یا در بزرگسالی با قرار گرفتن در جایگاه مادر یا پدر و یا در حیطه آموزشی با دانش‌آموزان خود نیز اینگونه رفتار کند.

از طرف دیگر به نظر می‌رسد یکی از عوامل اصلی خشـونت در مـدارس علاوه بر بی‌توجهی مسئولان نظام آموزشی، به بی‌تـوجهی والـدین و جامعـه نیز بستگی دارد. طبق تحقیق چن و وی(۲۰۱۱) تنبیه بدنی در مـدارس بـا نگرش مثبت جامعه و والدین رابطه مثبتـی دارد(۱۳). لـذا بایـد گفـت اگـر والدین و جامعه واکنش شدیدتری نسبت به ایـن مسـئله داشـتند بـه طـور حتم میزان خشونت‌ها نسبت به دانش‌آموزان می‌توانست کاهش یابـد. البتـه توجه نکردن یا کم توجه کـردن جامعـه و والـدین بـه مسـئله خشـونت در مدرسه می‌تواند به علّت ناآگاهی و یا آگاهی بسـیار انـدک والـدین از حـق و حقوق فرزندشان در مدرسه نیز باشد. به‌خصـوص بـا توجـه بـه اینکـه ایـن تحقیق در شهر کرمان انجام شده باید گفت در این شـهر و شهرسـتان‌هـای این مرکز بی‌توجهی شدیدی از سـوی والـدین نسـبت بـه برخـورد عوامـل مدرسه با فرزندانشان وجـود دارد. ایـن بـی‌تـوجهی و آگـاهی انـدک سـبب می‌شود والدین حق و اختیار کامل را بـه مـدارس بدهنـد و آنهـا را در ایـن زمینه صاحب اختیار و قدرت بدانند؛ لذا تـا زمـانی کـه فرهنـگ حـاکم بـر جامعه و نوع نگرش والدین چنین امری را مورد تأییـد و تصـدیق حتـی بـه صورت غیرمستقیم قرار می‌دهد به طـور حـتم تغییـر و تحـولی هـم اتّفـاق نمی‌افتد.

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-09-08]

نتایج دیگر پژوهش حاضر از تحلیل تجارب زیسته دانش‌آموزی دانشجویان رسیدن به مضمون‌های اصلی بی‌اعتبارسازی شخصیت دانش‌آموزان در کلام، نبود روح عدالت‌محوری در کلاس و مدرسه و عدم اعتدال‌گرایی بود که این هم نشان از ضعف و ناکارآمدی دیگری در روش‌های تربیتی کادر انسانی مدارس است. بیشترین عباراتی که در بیانات دانشجویان در این زمینه به وفور یافت می‌شد عبارات تحقیر کردن، تهدید کردن، تفاوت گذاشتن و سرزنش کردن بود. تهدید برای نمره خوب گرفتن، درس خواندن، رعایت نظم، حفظ حجاب و نماز خواندن و تحقیر دانش‌آموز به دلیل عدم انجام هر یک از موارد فوق یا برآورده نشدن هر یک از خواسته‌های فوق و یا دلایل دیگر و همچنین فریاد زدن بر سر دانش‌آموزان با عصبانیت و حتی تذکر دادن یک مسئله مفید هم همراه با عصبانیت بود. تبعیض گذاشتن میان دانش‌آموزان از تبعیض طبقات اجتماعی گرفته تا تبعیض میان دانش‌آموزان زرنگ و ضعیف‌تر از دغدغه‌های دیگر دانشجویان بود. شدّت این آسیب مانند تنبیه به قدری بود که حدودا ۸۰ درصد از شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر به ابعاد گوناگون تبعیض گذاشتن عوامل مدرسه میان دانش‌آموزان اشاره کردند. این در حالی است که قرآن کریم به شدّت با بی‌عدالتی مخالف است و آن را جزء گناهان بزرگ برمی‌شمرد. چنانکه در بعد انسان‌شناسی قرآن کریم همه انسان‌ها با هم برابر هستند و از یک نفس واحده خلق شده اند«خَلَقَكُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ...»(زمر:۶)، پس هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند؛ لذا این منبع عظیم همواره از مسلمانان می‌خواهد که به عدالت با یکدیگر رفتار کنند:«اعدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوى...»(مائده:۸). پیامبر(ص)که همواره پیام‌آور عدل بودند و برای برقراری آن تلاش و کوشش می‌کردند نه تنها در جامعه بلکه در امر خطیر تعلیم و تربیت نیز رعایت آن را واجب دانسته و عدم رعایت آن توسط معلم را مساوی با خیانتکاران و عذاب اخروی می‌دانند، چنانکه می‌فرمایند: «هر مربی که سه کودک از این امت را سرپرستی کند(تعلیم و تربیت آنها را عهده‌دار شود) و فقیر و غنی‌شان را یکسان آموزش ندهد روز قیامت با خیانتکاران محشور می‌شود»(۱۶). تحقیر و تمسخر کودک و یا دست انداختن او جلوی دیگران نیز به دلیل درس نخواندن، شیطنت کردن و یا هر دلیل دیگری و خندیدن دیگران به او نه تنها آثار روانی نامطلوبی برای کودک دارد؛ بلکه معلم را نیز فردی ناآگاه و بدون علم در امر خطیر تعلیم و تربیت و البته ضعیف الایمان جلوه می‌دهد. انجام چنین اعمال قبیحی نه تنها دارای آثار سوء دنیوی هستند؛ بلکه نتایج ناگوار اخروی را نیز به دنبال دارند، چنانکه پیامبر(ص) می‌فرماید: «کسی که مرد یا زن مسلمانی را بهتان بزند یا درباره او سخنی بگوید که در او نیست خدا او را در قیامت روی تلی از آتش قرار می‌دهد تا از عهده آنچه گفته برآید». همچنین است که مطالعات اخیر نشان می‌دهند هر چه معلمان بیشتر از عبارات تحقیرآمیز و تهدیدآمیز نسبت به دانش‌آموز استفاده می‌کنند دانش‌آموزان بیشتر به مشکلات عاطفی و رفتاری دچار می‌شوند، ضمن اینکه عزت‌نفس و اعتماد به نفس آنها نیز کاهش می‌یابد. در همین راستا ابراهیمی‌مقدم و همکاران(۸) نیز زورگویی کلامی معلمان را در پنج منطقه از شهر تهران نتیجه گرفتند که بیشتر شامل مسخره کردن، تحقیر کردن و تهدید کردن بود.

نتایج دیگر پژوهش حاضر پیامدهای سلامتی ناشی از سوءرفتارها با دانش‌آموزان بود که کدهای اولیه آن از تجارب زیسته دانش‌آموزی دانشجویان استخراج و در نهایت سه زیرمضمون اختلالات عاطفی ـ خلقی، اختلالات روان‌شناختی اجتماعی و پیامدهای روان‌شناختی تحصیلی حاصل شد. لذا همان‌طور که انتظار می‌رفت تعاملات نامناسب عوامل انسانی مدارس با دانش‌آموزان سبب پدیدآیی آسیب‌های جسمانی، روانی و خلقی و عاطفی جبران‌ناپذیری بر دانش‌آموزان می‌شد. چنانکه عباراتی چون نداشتن حس خوب به مدرسه، ترس، اضطراب، نگرانی، کابوس دیدن در خواب، توهمی شدن و موارد دیگر به وفور در بیانات دانشجویان یافت می‌شد که برخی از آنها تا بزرگسالی فرد را آسوده نمی‌گذاشتند. به دلیل محدودیت در حجم مقاله تنها به یک نمونه از این تجارب اکتفا می‌شود، دانشجویی می‌گفت: «من حس خوبی به دوران مدرسه‌ام ندارم، همیشه از درس پرسیدن، امتحان، رفتار معلم و...اضطراب داشتم، هنوز هم اضطراب رفتن به سر کلاس‌های معلمای سختگیر رو دارم، هنوز هم که هنوز خوابای بدی راجع به مدرسه می‌بینم، با نگرانی از خواب بیدار میشم، ترس همه وجودم رو فرا می‌گیره که نکنه باید دوباره برم مدرسه»(کد۱۳). لذا مطابق با این نتیجه سوءرفتار با دانش‌آموزان، آنها را دچار بی‌انگیزگی و تنفر و بی‌علاقگی نسبت به مدرسه و متعلقات آن چون درس خواندن یا کتاب خواندن و... می‌کند، ضمن اینکه سبب افزایش ترس، اضطراب و آشفتگی‌های روحی آنها شده و این آثار منفی نه تنها در همان زمان مدرسه بلکه در دوران بزرگسالی فرد هم اختلال ایجاد می‌کند. این امر سبب پدید آمدن مشکلات جسمی و اختلال در خواب آنها هم می‌شود. لذا به نظر می‌رسد از علت‌های این امر بی‌توجهی شدید وزارت آموزش و پرورش به حفظ سلامت روانی دانش‌آموزان و از طرف دیگر بی‌توجهی به روش‌های تربیتی منطبق با فطرت دانش‌آموز که در دین مبین اسلام مطرح شده است، می‌باشد؛ به گونه‌ای که اگر نظام آموزش و پرورش با عاملان خشونت قاطعانه برخورد می‌کرد به طور حتم این آسیب‌های روانی در دانش‌آموزان کاهش می‌یافت و از طرف دیگر اگر مدارس به دستورات دین مبین اسلام توجه بیشتری کرده و به سیره ائمه اطهار(ع) در رابطه با فرزندان و شاگردانشان توجه می‌کردند و آنها را الگوی خود در این زمینه قرار می‌دادند به طور حتم فضای مطلوب‌تری را می‌توانستند برای دانش‌آموزان ایجاد کنند. چنانکه گلی(۱۳۹۴)در تحقیق خود این امر را مورد تأیید قرار داد(۱۵). مطابق با نتایج پژوهش حاضر گرشاف و هولدن(۱۴)اثبات کردند اصلی‌ترین عارضه تنبیه بدنی پدید آمدن علائم افسردگی در دانش‌آموزان است. پیکارسا(۱۲) بیشترین مؤلفه استرس‌زا در

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-09-08]

مدارس را در رفتارهای توهین‌آمیز معلمان در کلاس دانست. آنجلاکس و گودینگ(۱۰) نشان دادند بدرفتاری با کودک در کودکی با مشکلات سلامت روانی او در بزرگسالی ارتباط دارد که دو مورد از آنها افسردگی و رفتارهای خودآزاردهی بود که در این دو بعد با پژوهش حاضر هم‌راستا است.همچنین چن و وی(۲۰۱۱) به همین نتیجه رسیدند.

مطابق با نتایج دیگر پژوهش تعاملات نامناسب در مدارس تأثیرات منفی روانی بر روابط اجتماعی افراد نیز می‌گذاشت. برخی از مشارکت‌کنندگان اذعان داشتند که پرخاشگری‌های عوامل مدرسه سبب سرخوردگی و کاهش عزت‌نفس آنها در برخورد با دیگران و پدید آمدن حس لجبازی در آنها می‌شد؛ لذا مطابق با این نتیجه دانش‌آموزانی که در مدارس مورد سوءرفتار قرار می‌گیرند در روابط اجتماعی خود نیز دچار مشکل می‌شوند و مستعد پرخاشگری به دیگران نیز می‌شوند. در باب این نتیجه‌گیری باید توجه داشت مخصوصاً سنین نوجوانی سنین مهم و حساسی است. در این دوره نوجوانان استقلال‌طلب، آزادی‌خواه و بسیار کم تجربه هستند و البته اسیر طوفان غرایز و هیجانات هستند؛ لذا معمولاً هیجانات آنها بر عقلشان مسلط است و می‌توانند آنها را به سمت افراط و تفریط ببرد. همچنین این دوران دوران انتقال به مرحله بزرگسالی است پس دانش‌آموز انتظار دارد دیگران همچون یک بزرگسال به او نگاه کنند و احترامش را حفظ کنند. حال اگر مدارس بدون در نظر گرفتن موقعیت حساس دانش‌آموز به احساسات و عواطف آنها ضربه وارد کنند به طور حتم آنها دچار سرخوردگی می‌شوند و این سرخوردگی تبعاتی را برای آینده آنها دارد. به عبارت دیگر رفتارهای نامناسب عوامل مدرسه با آنها زمینه‌ای برای ایجاد کشمکش و درگیری‌های ذهنی و عاطفی در آنها شده که گاهی می‌تواند سبب پنهان کردن خشمی نهفته در آنها شود. برخی نیز از عوامل مدرسه تقلید کرده و به دلیل اینکه در مدرسه مورد تهاجم قرار گرفته‌اند در بزرگسالی و در ارتباط با دیگران و یا حتی شاگردان خود به خشونت می‌پردازند و یا به لجبازی و پرخاشگری می‌پردازند و حتی امکان دارد دست به اعمال غیرمنطقی هم بزنند. برخی دیگر از جمله دختران که روحیه حساس‌تری دارند سعی می‌کنند ارتباط خود را با دیگران کاهش داده تا دچار سرخوردگی کمتری شوند.

نتایج دیگر پژوهش نشان داد دانش‌آموزانی که در معرض سختگیری‌ها و رفتارهای افراطی و تند مدارس بودند بیشتر دچار کاهش انگیزه تحصیل و پیشرفت می‌شدند. اکثریت مشارکت‌کنندگان که مجبور بودند به هر دلیلی سال‌های زیادی از عمرشان را در مدرسه‌ای که بار نامطلوب بودن آن هم زیاد بود بگذرانند، اذعان داشتند که به دلیل سخت و سرد و بی‌روح بودن فضای حاکم بر مدرسه و سختگیری‌های افراطی و نبود روابط انسانی و اخلاقی با آنها به نوعی از مدرسه بیزار شده بودند. کد۱۴می‌گفت:«به نظر من معلما و معاونا و مدیران باید از لحاظ رفتاری آموزش داده بشن که در مدرسه با بچه‌ها خوب رفتار کنن و یک محیط آرام‌بخشی رو ایجاد کنن نه یه محیط ترسناک که همه رو از مدرسه بیزار کنن». در واقع اکثر بی‌علاقگی‌های دانش‌آموزان به دلیل خشونت و سختگیری‌های افراطی و ترس از معلمان و امتحان و موارد دیگر بود. تنفر از درس، دلزدگی، بیزاری و بی‌علاقگی چهار واژه فراوان در بیانات این دسته از مشارکت‌کنندگان بود. در همین راستا گرشاف و هولدن(۱۴)نتیجه گرفتند دانش‌آموزانی که در مدارس بیشتر مورد خشونت قرار می‌گیرند دچار کاهش تعلق به مدرسه و کسب معدل پایین می‌شوند. علومی‌یزدی(۷)نیز اذعان داشت تعدادی از دانش‌آموزان ایرانی به علت بدرفتاری‌های مدرسه و مخصوصا تنبیه دچار دلسردی شده و ترک تحصیل کرده‌اند. همچنین پیکارسکا(۲۰۰۰) نیز مشابه این نتیجه را گرفت. باید گفت یکی از ضروری‌ترین و اولین مسائل در هر نظام آموزشی برقراری یک رابطه دوستانه و حمایت‌آمیز از دانش‌آموز است. در پرتو چنین روابطی است که دانش‌آموز احساس تعلق به مدرسه کرده و عوامل مدرسه را چون والدین خود می‌بیند و با آنها رابطه‌ای گرم برقرار می‌کند و این امر به طور حتم در رشد و بالندگی تحصیلی او هم بسیار تأثیرگذار است. اما زمانی که چنین روابطی حاکم نباشد به طور حتم احساس بی‌تعلقی به مدرسه در دانش‌آموز شکل می‌گیرد که خود می‌تواند در پیشرفت و آینده تحصیلی او تأثیرگذار باشد. اما تا زمانی که این روابط میان معاونان و معلمان و مدیران مدارس با دانش‌آموزان مبتنی بر زور، اجبار و خشونت و تبعیض گذاشتن باشد دانش‌آموز مدرسه را چون زندانی می‌بیند که هر لحظه می‌خواهد از آن رها شود. این فضا نه تنها امکان رشد و پیشرفت را برای دانش‌آموز ایجاد نمی‌کند؛ بلکه فرصت نشاط و شادی را از آنها که در حیاتی‌ترین زمان زندگی خود هستند، گرفته و آنها را از درس و تحصیل بیزار می‌کند. در واقع عوامل مدرسه فکر می‌کنند با رفتارهای تند و افراطی خود می‌توانند دانش‌آموزان را منضبط کنند غافل از اینکه خشونت‌ورزی شاید در کوتاه مدت نظمی ظاهری را بر مدارس حاکم کند؛ اما متأسفانه در درازمدت دانش‌آموزان را دچار آسیب‌های فراوانی حتی در زمینه پیشرفت می‌کند که آینده آنها را هم تحت‌الشعاع خود قرار داده و کاملا جبران‌ناپذیر هستند.

نتیجه‌گیری

در نتیجه‌گیری پژوهش حاضر باید گفت سوءرفتار با دانش‌آموزان در مدارس تأثیرات منفی و درازمدتی بر سلامت تحصیلی و روانی آنها می‌گذارد. با وجود اینکه نارضایتی‌های زیادی مخصوصا از سوی دانش‌آموزان نسبت به آن وجود دارد و این اعمال را مساوی با خدشه‌دار شدن شخصیت و عزت‌نفس خود می‌دانند اما این پدیده مورد بی‌توجهی شدیدی از سوی نهادهای ذی‌ربط قرار گرفته است و در عمل نظارت دقیقی بر آن نیست که نیاز به مقابله جدّی دارد. از طرف دیگر با توجه به اینکه ما در یک جامعه اسلامی و قرآنی زندگی می‌کنیم و به طور حتم نگرش، افکار و اعمالمان هم باید مطابق با این دین باشد تا سعادت دنیوی و اخروی را بدست آوریم؛ لذا امر خطیری چون تعلیم و تربیت نیز از این قائده مستثنی نیست. بنابراین اگر این تعاملات نامناسب در مدارس با دانش‌آموزان را با آراء اسلامی و قرآنی مطابقت دهیم، خواهیم دید این نحوه تعلیم و تربیت در مدارس مطابق با

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-09-08]

روح و تعالیم اسلامی و قرآنی نیست و به تبع آن مطابق با فطرت دانش‌آموزان هم نیست. اسلام با هر گونه خشونت‌گری و سوءرفتار با کودکان و نوجوانان مخصوصا در امر تعلیم و تربیت کاملا مخالف است و آن را مورد نفی قرار می‌دهد. در واقع روح حاکم بر تعالیم اسلامی روح محبت، مهربانی، مودّت و حفظ عزت‌نفس کودکان و نوجوانان است که تضمین‌کننده سلامت جسمانی و روانی و معنوی آنها هم است. منابع اصیل دینی هر گونه ناسزاگویی، تحقیر، استهزا، تهدید، تنبیه بدنی و انواع خشونت نسبت به کودکان را امری قبیح و مورد مذمّت می‌دانند که به طور حتم آثار سوءاخروی را نیز برای عاملان آن به همراه دارد. بر این اساس باید گفت متأسفانه مدارس که باید در کنار امر آموزش، تأمین‌کننده سلامت جسمانی، روانی و معنوی کودکان و نوجوانان نیز باشند، به خوبی نقش خود را در این زمینه ایفاء نمی‌کنند و بیشتر دانش‌آموزانی رنجور و بیمار را تحویل جامعه می‌دهند. دانش‌آموزانی که به‌خصوصا در دوران مدرسه باید نشاط و شادی افزونی داشته باشند و به فکر موفقیت و پیشرفت باشند؛ اما به دلیل بدرفتاری‌ها و روابط نامناسب عوامل مدرسه دچار سرکوبی، ترک تحصیل، افت تحصیلی، بی‌انگیزگی، از دست رفتن استعدادها و یا احساس منفی نسبت به درس و مدرسه شده‌اند و این امر مشکلات بهداشتی روانی فراوانی را برای آنها ایجاد کرده است. باید گفت یکی از دلایل اصلی بروز آسیب‌های فوق توجه نکردن و به‌کار نگرفتن نظریات و تعالیم اسلام و قرآن کریم می‌باشد. در نهایت با توجه به نتایج تحقیق راهکارهای ذیل ارائه می‌شود.

راهکارها

- استفاده بیشتر از آموزه‌های قرآن در امر تربیت دانش‌آموزان و نحوه ارتباط و رفتار با او؛
- به‌کارگیری و توجه بیشتر به سیره تربیتی ائمه اطهار(ع) و پیامبران الهی و روایات؛
- آشنایی عوامل انسانی مدارس با شیوه‌های نوین تربیتی و علم روان‌شناسی به خصوص روان‌شناسی اسلامی برای رفع پرخاشگری و خشونت؛
- افزایش بینش و آگاهی عوامل انسانی مدارس در مورد منزلت انسان و تکریم انسان؛
- افزایش بینش و آگاهی معلمان، معاونان و مدیران مدارس از مبانی هستی‌شناسی اسلامی و به تبع آن انسان‌شناسی اسلامی که از ملزومات اصلی حرفه معلمی هستند؛
- افزایش آگاهی عوامل انسانی مدارس از ویژگی‌های رشدی و شناختی دانش‌آموزان مطابق با تعالیم دینی؛
- ایجاد فضای شاد و محرک یادگیری با حاکم کردن روح معنویت‌گرایی بر مدارس؛
- آگاه کردن عوامل مدرسه از آثار سوء اخروی خشونت‌ورزی و بدرفتاری با متعلمان؛
- توجه عوامل مدرسه به تزکیه‌نفس در خود قبل از پرداختن به امر تعلیم و تربیت؛
- نظارت و برخورد قاطعانه مسئولان در برابر خشونت‌گری نسبت به دانش‌آموزان و تلاش برای رفع آن؛
- به‌کارگیری برنامه‌ها و سیاست‌های اجتماعی برای پیشگیری از خشونت در مدارس؛
- افزایش آگاهی والدین از حقوق فرزندان خود و برخورد قاطعانه داشتن نسبت به تعاملات نامناسب و خشونت‌گری نسبت به فرزندانشان؛
- برقراری نظام ارزشیابی عوامل مدرسه توسط دانش‌آموز و به‌کار گرفتن نتایج و بازخورد آن؛
- برگزاری سمینارها و کارگاه‌های آموزشی به طور مداوم به منظور ارتقای بخشی آگاهی عوامل انسانی مدارس؛
- تعدیل عوامل انسانی مدارس و کنار گذاشتن افراد خشن و بی‌صلاحیت از چرخه آموزشی؛
- تغییر در نظام گزینش معلمان و به‌کارگیری افرادی با سلامت روانی بالاتر در این عرصه؛
- در نهایت اگر عوامل مدرسه با خطایی از سوی دانش‌آموز مواجه شدند در مرتبه اول باید سعی کنند از شیوه‌های مسالمت‌آمیز چون به نرمی سخن گفتن، موعظه و محبت، در رفع مشکل استفاده کنند. در صورت شدّت گرفتن رفتار نامناسب دانش‌آموز می‌توانند از شیوه‌هایی چون تذکر دادن با قاطعیت به دانش‌آموز استفاده کنند. همچنین در کنار این روش‌ها آنها می‌توانند از تکنیک‌های علم روان‌شناختی چون تقویت رفتار مطلوب و عدم تقویت رفتار نامطلوب نیز استفاده کنند. باز در صورت نگرفتن نتیجه مطابق با آراء دینی از جمله سخن امام کاظم(ع) می‌توانند از او کناره-گیری کنند و یا به او بی‌توجهی کنند «لَا تَضْرِبْهُ وَ اهْجُرْهُ وَ لَا تُطِل» فرزندت را نزن و برای ادب کردنش از او قهر کن(کناره بگیر)، اما مراقب باش قهرت طول نکشد. در نهایت باز در صورت عدم تغییر رفتار کاملا نامناسب دانش‌آموز و ایجاد مشکل برای خود و دیگران؛ باید مطابق با قوانین آموزش و پرورش با او رفتار شود؛ لذا در هیچ یک از مراحل تربیتی چه از لحاظ تعالیم دینی و یا قوانین کشور و حتی قوانین آموزش و پرورش هر گونه خشونت کلامی و یا رفتاری به دانش‌آموز ممنوع است.

تقدیر و تشکر

از تمامی مشارکت‌کنندگان که در تهیه پژوهش فوق همکاری کردند کمال تشکر و قدردانی را داریم.

تعارض منافع

در پژوهش حاضر تعارض منافع میان نویسندگان وجود ندارد.

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-09-08]

Original

Abuse of Students at School and Its Health Consequences

Mozhdeh Alizadeh[1*], Hamid Reza Alavi[2]

1. ⁎**Corresponding Author:** Ph.D Student in Philosophy of Education, Department of Educational Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University, malizadeh1229@gmail.com
2. Professor of Philosophy of Education, Department of Educational Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University

Abstract

Background: Mistreatment of students in schools has unfortunately become commonplace; it is not given much attention. While this phenomenon can endanger the physical and mental health of students, the purpose of this study was to "investigate the abuse of students in schools and its health consequences and provide solutions to improve student health.

Methods: This qualitative and phenomenological study assessed the statistical population of all undergraduate students of Shahid Bahonar University in Kerman with 10440 students in the year 2020-2021; 18 students were selected by voluntary-purpose sampling. The research tool was an in-depth semi-structured interviews. The Colaizzi method was used to analyze the interviews.

Results: According to the research findings, the main abuses of students in schools comprised five main themes, eight sub-themes and 50 basic codes. The health consequences of these abuses also caused reduction of mental and social health of students with three sub-themes namely emotional-mood disorders, psychosocial disorders and academic psychological consequences and 31 basic codes. Emotional-mood disorders including feelings of anxiety, and sadness. Psychosocial disorders included aggression and social isolation , psychological consequences included school truancy, and reduced motivation for progress.

Conclusion: The results of this study indicate that abuse of students in schools has negative and long-term effects on their mental health. Therefore, in order to promote their health, there is a need to seriously deal with this phenomenon by both the authorities ,the community and parents.

Keywords: Child Abuse, Health, Schools, Students

منابع

1. Glaser D. Emotional abuse and neglect: A conceptual. Child Abuse Negl 2002; 26: 697-714.
2. Nearchou F. Resilience following emotional abuse by teachers: Insights from a cross sectional study with Greek students. Child Abuse Negl 2018; 78: 96-106.
3. Bazargan Z, Lavasani M. Physical violence in school and strategies to prevent and reduce it. Educational innovations 2003; 6 (2): 4-25. [In Persian]
4. Mahmoodi Janaki F, Nejat MR. A criminological investigation of teacher violence against students. Studies in Qualitative and Criminological Law 2018; 48 (1): 161-183. [In Persian]
5. Hyman I, perone D. The other side of school violence. J Sch Psychol 1998; 36(1): 7-27.
6. Lee JH. Prevalence and predictors of self_reported student maltreatment teacher in South Korea. Child Abuse Negl 2015; 46:113-123.
7. Oloomi Yazdi MT. Corporal punishment in schools and its consequences. Education Quarterly 2001; 66: 33-50. [In Persian]
8. Ebrahimi Moghadam N, Khanifar H, Durrani K, Karamdoost NA. Teachers' bullying behavior towards students and its prevalence and scope in Tehran schools. Applied Psychological Research 2019;10(1):1_22. [In Persian]
9. Khoshabi K, Habibi Askarabadi M, Farzadfar Z, Mohammadkhani P. Prevalence of child abuse among students in Tehran. Social Welfare 2009; 7 (27): 116-138. [In Persian]
10. Angelakis I, Gooding P. A novel tool showing that perceptions of adverse social relationship in childhood were linked to mental health problems and suicidal experiences. Psychiatry Res 2018; 285: 1-20.
11. Khalilian A, Hassanzadeh R, Zarghami M. A study of the relationship between school stressors and physical complaints in students of Sari. Journal of Mazandaran University of Medical Sciences 2000; 26(10): 56-62. [In Persian]
12. Piekarska A. School stress, teachers' abusive behaviors, and children's coping strategies. Child Abuse Negl 2000; 24:1443-1449.
13. Chen J, Wei H. The impact of school violence on self-esteem and depression among Taiwanese junior high school students. Soc Indic Res 2011; 100(3): 479-498.
14. Gershoff E, Holden G. School corporal punishment and its associations with achievement and adjustment. J Appl Dev Psychol 2019; 63: 1-8.
15. Goli M. The role of parents in their children's religious self-esteem and their spiritual health from the perspective of Islam: Journal of Medical History 2015; 7 (25): 101-128. [In Persian]
16. Seminary and University Research Institute. Opinions of Muslim Thinkers in Education. Tehran: Samt; 2012. [In Persian]

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-09-08]